

دکتر کنوت هایم، امثال، درس نهم، انجیل سعادت، بخش دوم

کنوت هایم و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنوت هایم در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره نه، انجیل سعادت در امثال، بخش دوم است.

به درس نهم خوش آمدید. ما به بررسی خود در مورد رفاه در کتاب امثال ادامه می‌دهیم. اکنون، در ابتدای این سخنرانی، به طور خاص به ارتباط بین کسب ثروت از یک سو و مسئولیت اجتماعی مرتبط با آن ثروت از سوی دیگر خواهیم پرداخت. بنابراین، این موضوع اصلی بخش عمده‌ای از این سخنرانی است.

ابتدا، به کسب ثروت می‌پردازیم. و در اینجا مجموعه‌ای از جملات در مورد توصیه‌های عملی در مورد چگونگی ثروتمند شدن و چگونگی عملکرد مالی خوب در زندگی داریم. و بسیاری از این‌ها صرفاً نوعی خرد اقتصادی عملی و واقع‌بینانه است.

اغلب این موضوع به طور خاص با هیچ ارزش مذهبی مرتبط نیست. گاهی اوقات این اتفاق می‌افتد، اما بخش عمده‌ای از آن فقط به این مربوط می‌شود که چگونه در عمل خوب عمل می‌کنید. با این وجود، اظهارات زیادی وجود دارد، و من اکنون با چند مورد از آنها شروع می‌کنم، که ماهیت کلی دارند و تأکید می‌کنند که سخاوت در درازمدت پاداش خواهد گرفت، در حالی که ظلم در درازمدت مجازات خواهد شد.

بخش بعدی به ویژه آموزنده است، به خصوص وقتی که ضرب المثل‌های جداگانه به صورت یک خوشه ضرب المثل‌های خوانده می‌شوند که در آن چندین ضرب المثل با هم معنایی بیش از مجموع اجزای جداگانه دارند. و من اکنون از فصل ۱۱ می‌خوانم، و کل بخش را از آیه ۱۶ تا آیه ۲۰ به صورت یکجا می‌خوانم. و از شما دعوت می‌کنم که با من بخوانید و هنگام خواندن این مطلب با من فکر کنید.

زن مهربان عزت می‌یابد، اما زنی که از پاکدامنی نفرت دارد، شرمسار می‌شود. ترسو فقیر می‌شود، اما زن ستیزه‌جو ثروت به دست می‌آورد. زن مهربان به خود پاداش می‌دهد، اما زن ظالم به خود آسیب می‌رساند.

شریران سود واقعی نمی‌برند، اما کسانی که عدالت می‌کارند پاداش واقعی می‌گیرند. هر که در عدالت ثابت قدم باشد، زنده خواهد ماند، اما هر که شرارت را دنبال کند، خواهد مرد. ذهن‌های کج مورد نفرت خداوند هستند، اما کسانی که راه‌های درست را در پیش می‌گیرند، مورد پسند او هستند.

اینجا هیچ چیزی در مورد رویه‌های تجاری، تعاملات اقتصادی یا حتی کارهای عملی وجود ندارد. این بیشتر به شخصیت، نگرش و فضایل مربوط می‌شود. افراد مختلف اینجا چگونه با دیگران تعامل می‌کنند؟ کسانی که برای به دست آوردن چیزی برای خودشان خودخواه هستند، در نهایت به معنای کلی فقیر خواهند شد.

کسانی که سخاوتمند هستند و بذر عدالت می‌پاشند، کسانی که می‌خواهند به دیگران سود برسانند، در نهایت به خودشان سود خواهند رساند. این را می‌توان در تمام جنبه‌های زندگی، فعالیت‌های اقتصادی و هر چیز دیگری در این بین، تمام تعاملات انسانی، به کار برد. چیزی در اینجا در مورد سخاوت نسبت به دیگران وجود دارد.

خوشه زیر نیز به سخاوت مربوط می‌شود و همچنین شامل پیامدهای اخلاقی برای ارزیابی اخلاقی آنچه توصیف می‌شود، می‌باشد. باز هم، از فصل ۱۱ از آیه ۲۳ به بعد تا فصل ۲۶ را می‌خوانم. آرزوی صالحان فقط به خیر ختم می‌شود، انتظار شیرین فقط به خشم

برخی سخاوتمندانه می‌بخشند، اما ثروتمندتر می‌شوند. برخی دیگر آنچه را که حقشان است دریغ می‌کنند و فقط دچار فقر می‌شوند. شخص سخاوتمند ثروتمند می‌شود و کسی که آب می‌دهد، آب دریافت می‌کند

مردم کسانی را که غلات را نگه می‌دارند نفرین می‌کنند، اما کسانی که آن را می‌فروشند، مورد لطف و رحمت قرار می‌گیرند. حداقل یکی از این آیات، یعنی آیه ۲۴، قطعاً بارها در آموزه‌های مربوط به رفاه استفاده شده است. برخی سخاوتمندانه می‌بخشند، اما ثروتمندتر می‌شوند

دیگران آنچه را که حقشان است دریغ می‌کنند و فقط از کمبود رنج می‌برند. راستش را بخواهید، به عنوان یک عبارت کلی، نمی‌توانم به طور کامل کاربرد این عبارت را رد کنم. با این حال، جایی که مشکل‌ساز می‌شود زمانی است که مردم این را به یک پیوند یا ارتباط بین عمل و پیامد تبدیل می‌کنند، که همیشه اینگونه خواهد بود و بعداً به این موضوع باز خواهیم گشت

البته سوال دیگر این است که چه ربطی به خودداری از پرداخت حق دارد؟ در این ضرب‌المثل مشخص نیست، اما احتمالاً چیزی که ما در اینجا با آن سر و کار داریم، نوعی صدقه دادن یا دادن نذورات نیست، چه به یک فرد آسیب‌پذیر باشد و چه به یک فعالیت مذهبی، مانند معبد در اسرائیل باستان یا یک فعالیت بشراتی یا نوع دیگری از خدمات خیریه مسیحی در دنیای مدرن، بلکه آنچه حق دارد در واقع ممکن است به یک مبادله اقتصادی مربوط باشد. و شخصی که از او خواسته می‌شود برای چیزی بهایی پردازد، نه تنها حداقل قیمتی را که می‌تواند از مجازات فرار کند، می‌پردازد، بلکه قیمتی منصفانه، سخاوتمندانه و منصفانه برای آنچه می‌خرد، می‌پردازد. یک دسته ضرب‌المثل دیگر، که بسیار جالب است، تنبلی، شرارت و ریاکاری مذهبی را به هم پیوند می‌دهد

این فصل ۱، آیات ۲۵ تا ۲۷ است. آرزوی شخص تنبل کشنده است، زیرا دست‌های تنبل از کار کردن امتناع می‌کنند. شیرین تمام روز طمع می‌ورزند، اما صالحان می‌دهند و دریغ نمی‌کنند

قربانی کردن شیرین عملی شنیع است. چه رسد به اینکه با نیت پلید انجام شود؟ حال، می‌توان استدلال کرد که آیا این‌ها فقط سه گفته‌ی نامرتب هستند که در مورد سه چیز متفاوت صحبت می‌کنند؟ من استدلال می‌کنم که نه تنها توالی‌های غیرمستقیم، ۲۵، ۲۶، ۲۷، وجود دارد، بلکه یک ارتباط مفهومی بین این سه جمله وجود دارد. در اینجا پای میل و آرزوی فرد تنبل در میان است که به دلیل عدم انجام کار، به طور مہلکی پایان می‌یابد

اگرچه فرد چیزی را می‌خواهد و بیش از آنچه دارد می‌خواهد، اما حاضر نیست برای آن تلاش کند، همانطور که در آیه ۲۵ آمده است. در آیه ۲۶، آرزو و میل نیز مطرح است. در این مورد، این آرزوی شیرین است که تمام روز طمع می‌ورزند

این در تضاد با پارسایان است که سخاوتمندانه از آنچه دارند می‌بخشند، نه اینکه بیش از آنچه دارند بخواهند. و به نظر می‌رسد که آنها نه تنها با شیرین در آیه ۲۶، بلکه با تنبلان در آیه ۲۵ نیز در تضاد هستند. و سپس، با آیه ۲۷ مرتبط می‌شود، جایی که شیرین دوباره در کانون توجه هستند، مانند آیه ۲۶ جایی که حتی وقتی شیرین چیزی می‌دهند، زیرا این همان چیزی است که قربانی است، این یک بخشش سخاوتمندانه است، در این مورد، بخشش سخاوتمندانه به معبد است، اما حتی با اینکه آنها کار درست را

انجام می‌دهند، احتمالاً توسط خدا نفرت‌انگیز تلقی می‌شود، خدا از آن متنفر است، اگرچه آنها فعالیت مذهبی درستی را انجام می‌دهند، زیرا آن را با نیت شیطانی انجام می‌دهند.

و در اینجا، فکر می‌کنم باید هشدار جدی به مسیحیان فریب‌خورده‌ای بدهیم که فکر می‌کنند بخشش سخاوتمندانه به خداوند، اگر با نیت پلید باشد، نتایج مطلوب، یعنی نعمت‌های الهی را برایشان به ارمغان می‌آورد، حتی اگر اکنون فکر کنند، اوه، من دیگر لازم نیست کار کنم، زیرا من سخاوتمندانه می‌بخشم بنابراین خداوند اکنون به من بدهکار است و به من باز خواهد گرداند. در چارچوب این سه آیه، اگر شما به عنوان یک مسیحی فقط به این دلیل به خدا می‌بخشید که می‌خواهید از او بیشتر پس بگیرید، به نظر من این یک فداکاری شیطانی است، طبق امثال ۳۱، ۲۷، زیرا شما آن را با نیتی پلید و خودخواهانه می‌آورید. شما آن را برای خشنود کردن خداوند نمی‌آورید، شما آن را برای بهتر کردن زندگی دیگران نمی‌آورید، شما آن را برای بهتر کردن زندگی خودتان می‌آورید.

شما فکر می‌کنید می‌توانید چیزی را بدون زحمت کشیدن به دست آورید. این همان چیزی است که این سه آیه در کنار هم ممکن است در مورد وضعیت شما بگویند. مثال دیگر، آیه 22، کسانی که سخاوتمند هستند، برکت یافته‌اند، زیرا نان خود را با فقرا تقسیم می‌کنند.

و من می‌خواهم این را به طور خاص با نگرشی که همین الان توصیف کردم، مقایسه کنم، یعنی بخشش سخاوتمندانه که در اینجا متبرک است، به این دلیل متبرک نیست که آنها چیزی برای خودشان می‌خواهند بلکه به طور کاملاً مشخص، انگیزه‌ای وجود دارد، توضیحی در اینجا، در نیمه دوم آیه، وجود دارد که می‌گوید، زیرا آنها نان خود را با فقرا تقسیم می‌کنند. سخاوت در اینجا به منظور به دست آوردن چیزی برای خودم نیست، بلکه به منظور سود رساندن به دیگران است. و سپس برکت به طور طبیعی از آن ناشی می‌شود.

بنابراین، این سوال واقعاً به انگیزه مربوط می‌شود. اما همچنین به این واقعیت مربوط می‌شود که سخاوت در واقع برای منفعت رساندن به دیگران طراحی شده است، نه خودمان. یک مؤلفه اجتماعی و یک مؤلفه اجتماعی مرتبط با این موضوع وجود دارد.

اکنون به یکی دیگر از جنبه‌های بسیار برجسته‌ی آموزه‌های کتاب امثال در مورد ثروت می‌پردازم، یعنی این واقعیت که ضرب‌المثل‌های بی‌شماری وجود دارند که می‌گویند طرح‌های «یک شبه ثروتمند شوید» بی‌فایده هستند. آنها بیهوده هستند. آنها شما را به جایی نمی‌رسانند.

و من هنوز هم این موارد و اظهاراتی را که قبلاً مطرح کرده‌ام، در چارچوب وسیع‌تر، اول از همه، در مورد اینکه چگونه می‌توان واقعاً ثروتمند شد، ارائه می‌دهم؟ رفاه واقعی چگونه عملاً به دست می‌آید؟ و سپس در چارچوبی حتی وسیع‌تر، چگونه در درازمدت، کسب ثروت، ثروت واقعی، با تعهد به نفع دیگران همراه است؟ ما همین الان کمی به این موضوع پرداخته‌ایم. اما بعداً چیزهای بیشتری، بسیار بیشتر، وجود خواهد داشت فعلاً، بیایید فقط به چگونگی کسب ثروت بپردازیم. چگونه می‌توانیم واقعاً مرفه شویم؟ این بخش اکنون توصیه‌های عملی در مورد چگونگی انجام ندادن این کار ارائه می‌دهد، که البته به طور ضمنی به ما کمک می‌کند تا جنبه مثبت آن و نحوه صحیح انجام آن را بهتر درک کنیم.

خب، شروع می‌کنیم. نقشه‌های پولدار شدن سریع بی‌فایده هستند. و من در اینجا چند آیه می‌آورم تا به ما کمک کند این موضوع را درک کنیم.

فصل ۱۹، آیه ۲. آرزوی بدون دانش خوب نیست، و کسی که با عجله حرکت کند، راه را گم می‌کند. باز هم، می‌توان چیزهای بیشتری در این مورد گفت. ۲۰۲۱، ملکی که در ابتدا به سرعت به دست آید، در پایان برکت نخواهد داشت.

فصل ۲۱، آیه ۵. نقشه‌های کوشا بی‌شک به فراوانی می‌انجامد. اما هر که شتاب کند، جز نیازمندی چیزی به دست نمی‌آورد. فصل ۲۳، آیه ۴. برای ثروتمند شدن، خود را خسته نکنید.

آنقدر عاقل باش که دست از آن برداری. آیه ۵. وقتی چشم‌ت به آن می‌افتد، رفته است. زیرا ناگهان بال در می‌آورد و مانند عقابی به سوی آسمان پرواز می‌کند.

و در اینجا یادآوری هوشیارانه‌ای وجود دارد که افراد زیادی در آن زمان و اکنون و در سراسر جهان وجود دارند که به شدت تلاش می‌کنند تا ثروتمند شوند و به سرعت ثروتمند شوند و خودشان را خسته می‌کنند. و آنها چگونگی ثروتمند شدن را بر هر چیز دیگری مقدم می‌دانند. اغلب روابط آنها آسیب می‌بیند خانواده‌هایشان آسیب می‌بینند، کارمندان‌شان آسیب می‌بینند، شرکای تجاری‌شان آسیب می‌بینند و در نهایت خودشان آسیب می‌بینند.

و این ضرب‌المثل در واقع بینی‌اش بسیار تأمل‌برانگیز است. ممکن است تمام این ثروت و هر چیز دیگری را به دست آورید، اما وقتی واقعاً آن را می‌بینید، در همان لحظه که آن را به دست آورده‌اید، از دست رفته است. زیرا ناگهان بال در می‌آورد و مانند عقابی به سوی آسمان پرواز می‌کند.

که ممکن است به این معنی باشد که ممکن است به سرعت در یک سرمایه‌گذاری تجاری بد یا از طریق یک بحران اقتصادی خارجی یا از طریق تغییر قانون یا تغییر فناوری یا هر چیز دیگری از دست برود. اما در عین حال ممکن است شما آن ثروت را داشته باشید و ناگهان فکر کنید که ارزشش را نداشته است. این ثروت به هیچ وجه آنچه را که می‌خواستیم به من نمی‌دهد.

چیزی که واقعاً می‌خواستیم به آسمان پرواز کرده و حالا فراتر از دسترس من است. بنابراین، همه این‌ها می‌تواند در اینجا نقش داشته باشد. سپس فصل ۲۸ آیه ۲۰.

مؤمنان از نعمت‌های فراوان بهره‌مند خواهند شد، اما کسی که برای ثروتمند شدن عجله دارد، بی‌مجازات نخواهد ماند. باز هم، این اصرار مداوم بر این واقعیت که نقشه‌های سریع ثروتمند شدن کارساز نیستند بازدهی نخواهند داشت و ارزشش را ندارند. یا حتی اگر ثروت داشته باشید، در وهله اول رضایت خاطر نخواهید داشت.

و دوم اینکه، پیامدهای اخلاقی، پیامدهای اجتماعی و پیامدهای مذهبی وجود دارد. و در نهایت، به هر حال ممکن است همه چیز را از دست بدهید. سپس بخش مرتبط دیگری از ضرب‌المثل‌ها وجود دارد، گروهی از ضرب‌المثل‌ها که می‌خواهم به طور خلاصه به آنها اشاره کنم.

موارد بسیار بیشتری وجود دارد، اما من فقط به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم. آن سود نامشروع نیز بیهوده است. بنابراین، سریع پولدار شدن بیهوده است و سود نامشروع نیز بیهوده است.

باب ۱۰ آیات ۲ و ۳. گنج‌هایی که از راه شرارت به دست می‌آیند، سودی ندارند، اما پارسایی از مرگ رهایی می‌بخشد. خداوند پارسایان را گرسنه نمی‌گذارد، بلکه هوس شیران را فرو می‌نشاند. باب ۱۰ آیات ۱۴ تا ۱۷.

خردمند دانش را اندوخته می‌کند، اما یاوه‌گویی نادان، هلاکت را نزدیک می‌سازد. ثروت ثروتمندان، دژ ایشان است و فقر فقیران، هلاکت ایشان. مزد پارسایان به حیات می‌انجامد، و سود شیران به گناه.

هر که به نصیحت گوش فرا دهد، در راه حیات است، اما کسی که سرزنش را رد کند، گمراه می‌شود. باز هم، فصل ۱۰ آیه ۱۵. ثروت ثروتمندان، دژ آنهاست، و فقر فقیران، ویرانی آنهاست.

اگر این را مستقل از زمینه و صرفاً به خودی خود بخوانیم، ممکن است صرفاً بیان یک واقعیت باشد. ثروتمندان قلعه‌ای دارند، فقرا ویران شده‌اند. و این دقیقاً واقعیت اوضاع است.

اما وقتی در آیه بعدی می‌شنویم که مزد نیکوکاران به زندگی و سود بدکاران به گناه منجر می‌شود، آنگاه به نظر می‌رسد که قلعه ثروت ثروتمندان، مزد یک سبک زندگی درستکارانه است که به زندگی منتهی می‌شود. در تضاد با سود بدکاران که به گناه منجر می‌شود، با فقر یک فقیر بدکار مرتبط است که در نهایت به ویرانی خواهد انجامید. بنابراین، خواندن این دو آیه با هم، پیچ و تاب کاملاً متفاوتی به کل ماجرا می‌دهد.

و بیایید این را با گروه دیگری از گفته‌ها مقایسه کنیم. و من الان فقط می‌خواهم اینها را بخوانم. فصل، فکر می‌کنم این فصل ۱۱ باشد.

فصل ۱۱ آیات ۱۰ و ۱۱. نام خداوند برجی مستحکم است. پارسایان به درون آن می‌دوند و در امان می‌مانند.

ثروت ثروتمندان، شهر مستحکم آنهاست. در خیال آنها، مانند دیواری بلند است. یا فصل ۱۱ آیه ۲۸.

کسانی که به ثروت خود توکل می‌کنند، پژمرده می‌شوند، اما پارسایان مانند برگ‌های سبز شکوفا می‌شوند. ما قبلاً این را شنیده‌ایم، اما بیایید اکنون آن را در کنار آیات دیگری که اینجا می‌خوانم، بشنویم. فصل ۱۳، ۱۱.

ثروتی که با عجله به دست آید، رو به زوال خواهد رفت، اما کسانی که اندک اندک جمع می‌کنند، آن را افزایش خواهند داد. فصل ۱۵ آیه ۲۷. کسانی که به دنبال سود نامشروع هستند، برای خانواده خود دردسر ایجاد می‌کنند، اما کسانی که از رشوه متنفرند، زندگی خواهند کرد.

برداشت واضحی از طرح‌های ثروت‌اندوزی سریع با سود نامشروع مرتبط است. در عوض، کتاب امثال سلیمان، سخت‌کوشی، صداقت و سخت‌کوشی را در مقابل تنبلی توصیه می‌کند، تنبلی یا به فقر منجر می‌شود یا مردم را به سمت طرح‌های وسوسه‌انگیز ثروت‌اندوزی سریع سوق می‌دهد که تنها می‌توانند از طریق سازش اخلاقی و رفتار غیراخلاقی به اهداف خود، یعنی ثروت‌های کلان با تلاش کم، برسند. بنابراین، آنچه در اینجا ترویج می‌شود، شخصیت بر عمل و رفاه واقعی بر سود مادی است.

اکنون به یکی دیگر از نمونه‌های نگرش‌ها و رفتارهایی که مانع از دستیابی من به رفاه می‌شوند، می‌پردازم. و این بخش در واقع به تنبلی می‌پردازد و سپس به بحث پشتکار منجر می‌شود. کتاب امثال بسیار واضح است.

تنبلی منجر به تباهی می‌شود. من در اینجا چندین بخش طولانی‌تر را می‌خوانم تا با احساسات قوی مرتبط با تنبلی در کتاب آشنا شوید. فصل ۶، آیات ۶ تا ۱۱.

ای تنبل‌ها، نزد عمه‌تان بروید! به راه‌هایش فکر کنید و خردمند باشید. بدون داشتن رئیس یا افسر یا حاکم خوراک خود را در تابستان تهیه می‌کند و محصول خود را در فصل درو جمع‌آوری می‌کند. ای تنبل‌ها، تا کی آنجا خواهید خوابید؟ کی از خواب خود بومی‌خیزید؟ کمی خواب، کمی چرت، کمی دست بر دست گذاشتن برای استراحت، و فقر مانند یک دزد بر شما هجوم خواهد آورد و نیاز مانند یک جنگجوی مسلح.

، و ما اینجا می‌توانیم جنبه طنزآمیز و خنده‌دار این را ببینیم. تنبلی مورد تمسخر قرار گرفته است. فصل ۲۴، آیات ۳۰ تا ۳۴.

از کنار مزرعه‌ی مردی تنبل و تاکستان مردی نادان گذشتم و دیدم که همه جا پر از خار است. زمین پوشیده از گزنه و دیوار سنگی آن فرو ریخته است. سپس آن را دیدم و در آن تأمل کردم.

نگاه کردم و پند گرفتم. کمی خواب، کمی چرت، کمی دست بر دست گذاشتن برای استراحت، و فقر مانند راهزن بر تو هجوم خواهد آورد و نیاز مانند جنگجوی مسلح. به طور مشابه، در فصل ۱۰، آیات ۴ تا ۵. دست سست باعث فقر می‌شود، اما دست کوشا ثروتمند می‌سازد.

فصل ۱۹، آیه ۱۵. تنبلی خواب عمیقی به همراه دارد. شخص بیکار گرسنگی را تحمل خواهد کرد.

قبلاً به این واقعیت اشاره کردم که تنبلی اغلب مورد تمسخر قرار می‌گیرد. اکنون می‌خواهم تعدادی ضرب‌المثل و آیه ارائه دهم که این موضوع را با وضوح بیشتری برجسته می‌کند. فصل ۱۹، آیه ۲۴.

آدم تنبل دستش را در ظرف غذا فرو می‌برد و حتی آن را به دهانش برمی‌گرداند. فصل ۲۲، آیه ۱۳. آدم تنبل «می‌گوید»: شیر بیرون است، من در کوچه‌ها کشته خواهم شد.

یا فصل ۲۶، آیات ۱۳ تا ۱۶. شخص تنبل می‌گوید، شیری در جاده است، شیری در کوچه‌ها است. همانطور که در روی لولاهایش می‌چرخد، شخص تنبل نیز در رختخواب می‌چرخد.

آدم تنبل دستش را در ظرف فرو می‌کند و آنقدر خسته است که نمی‌تواند آن را به دهان برگرداند. آدم تنبل از آن هفت نفری که می‌توانند با احتیاط جواب بدهند، عاقل‌تر است. و در نهایت، تنبلی مایه‌ی ننگ خانواده می‌شود.

فصل ۱۰، آیه ۵. کودکی که در تابستان جمع می‌کند، محتاط است، اما کودکی که در فصل برداشت می‌خواهد، شرمساری می‌آورد. برعکس، اکنون می‌خواهم چند آیه را برجسته کنم و نشان دهم که سخت‌کوشی چقدر در رسیدن به موفقیت، به معنای وسیع‌تر، به رفاه، مهم است. بسیاری از این آیات، افراد سخت‌کوشی را با خرد، پارسایی و اعتبار اجتماعی مرتبط می‌دانند، در حالی که آنها را با افراد نادان و حتی جالب‌تر از آن، با افراد شرور و جنایتکاران مقایسه می‌کنند.

به این گوش دهید. فصل ۱۲، آیه ۱۱. کسانی که زمین خود را کشت می‌کنند، غذای فراوان خواهند داشت، اما کسانی که دنبال کارهای بیهوده می‌روند، بی‌عقل هستند.

آیه ۲. از ثمره سخنان خود، نیکان چیزهای نیکو می‌خورند، اما خیانتکاران به بدی تمایل دارند. فصل ۱۲، آیه ۱۳. آیه ۱۳. شیران در دام گناه لب‌هایشان گرفتار می‌شوند، اما پارسایان از دردسر می‌گریزند.

با آیه ۱۴، از میوه دهان، انسان از چیزهای نیکو سیر می‌شود و کار یدی پاداش خود را دارد. فصل ۱۲، آیه ۲۴. دست کوشا حکومت خواهد کرد، در حالی که تنبل به کار اجباری گمارده خواهد شد.

از قضا، افراد کوشا و سخت‌کوش سرانجام به جایگاهی می‌رسند که بر دیگرانی که برایشان کار می‌کنند، حکومت می‌کنند. این به آن معنا نیست که دیگر کار نمی‌کنند، بلکه از طریق کار کردن دیگران برایشان

مازاد درآمد خواهند داشت. در حالی که تنبل‌ها که از ابتدا نمی‌خواستند کار کنند، مجبور به کار کردن هستند زیرا راه دیگری برایشان وجود ندارد.

فصل ۱۳، آیه ۴. اشتیهای تنبلان طمع می‌کند و چیزی به دست نمی‌آورد، در حالی که اشتیهای کوشا به وفور تأمین می‌شود. فصل ۱۴، آیه ۲۳. در هر زحمتی سودی است، اما سخن گفتن صرف جز به فقر نمی‌انجامد.

آیه ۱۳. خواب را دوست مدار، و گرنه به فقر خواهی رسید. چشمانت را باز کن، و نان فراوان خواهی، ۲۰. داشت.

آیه ۵. نقشه‌های کوشا مطمئناً به فراوانی منجر می‌شود، اما هر که عجله می‌کند، جز به تنگدستی، ۲۰. نمی‌رسد. شما این ارتباط را بین عجله، ثروتمند شدن سریع، راهی تنبلانه برای رسیدن به رفاه، از طریق طرح‌هایی که سعی می‌کنند از کار و تلاش صادقانه و سخت و سرمایه‌گذاری اجتناب کنند، اما سعی می‌کنند، آن را به قیمت ارزان به دست آورند، می‌بینید. و راستش را بخواهید، هر چه بیشتر با این مطالب کار می‌کنم، می‌خواهم کسانی را که هم ارزش‌های انجیل رفاه را موعظه می‌کنند و هم کسانی را که به آنها گوش می‌دهند، به چالش بکشم.

اگر می‌خواهید از جانب خدا به سعادت واقعی برسید، از بخشش سخاوتمندانه به خدمات مسیحی به عنوان جایگزینی برای کار سخت، مداوم و صادقانه استفاده نکنید. البته هیچ اشکالی در بخشش به خدمات مسیحی وجود ندارد. اما آیا چیزی برای بخشیدن دارید؟ یا آنقدر در جیب خود فرو رفته‌اید که کمتر از نیاز خود و خانواده‌تان برایتان باقی مانده است، و در این صورت تا حدودی امیدوارید که خداوند به نحوی، سخاوتمندانه شما را برکت دهد، همانطور که به شما وعده داده شده است، و اگر خداوند این کار را نکند، فکر می‌کنید، باید راه دیگری برای پس گرفتن آنچه بدون پاداش بخشیده‌ام پیدا کنم.

بنابراین، من فکر می‌کنم، همچنان که به خواندن توصیه‌های عملی کتاب امثال ادامه می‌دهیم، ممکن است به ما کمک کند تا ببینیم که بله، یک انجیل رفاه وجود دارد، اما شاید این انجیل برای ثروتمندان بسیار بیشتر باشد. اغلب، ثروتمندان در بسیاری از جوامع در طول اعصار به اندازه فقرا سخاوتمند نیستند. و شاید بسیاری از این گفته‌ها در آموزه‌ها و موعظه‌های مربوط به رفاه، به طور خاص‌تر خطاب به افراد ثروتمند باشد.

و در اینجا می‌خواهم به طور خاص با مسیحیان و یهودیان ثروتمند صحبت کنم. اگر خداوند شما را از طریق سخت‌کوشی و سخاوتمندانه برکت داده است، و شما برای خودتان خوب عمل می‌کنید، آن را به عنوان انگیزه‌ای برای انجام کارهای بهتر برای دیگران، برای سخاوتمندتر شدن در نظر بگیرید. همانطور که قبلاً اشاره کردم، فکر می‌کنم در سخنرانی ۲ یا سخنرانی ۳ بود، وقتی به امثال ۳، آیات ۹-۱۰ نگاه کردیم.

اکنون می‌خواهم مدتی در مورد ارتباط بین کوشش و پارسایی، از یک سو، در مقابل یا در تضاد با تنبلی و شرارت، از سوی دیگر، صحبت کنم که از یک سو منجر به ثروت و جایگاه اجتماعی بالا، اما از سوی دیگر، منجر به رفاه ناراضی و گاهی فقر و شرم می‌شود. فصل ۱۰، آیات ۲۰-۲۲. زبان پارسایان نقره مرغوب است، ذهن شیران بی‌ارزش است.

لب‌های پارسایان بسیاری را سیر می‌کند، اما نادانان از بی‌خردی می‌میرند. برکت خداوند ثروتمند می‌کند و او را غمی نیست. فصل ۱۲، آیه ۲۷.

تنبل‌ها به زحمت نمی‌افتند، اما کوشاها ثروت گران‌بها به دست می‌آورند. کسی که در کار سستی می‌کند، خویشاوند نزدیک خرابکار است. فصل ۱۸، آیه ۹. سپس فصل ۲۱، آیه ۲۵.

ما قبلاً به طور خلاصه به این موضوع اشاره کرده‌ایم. اشتیاق شخص تنبل کشنده است، زیرا دستان تنبل از کار کردن امتناع می‌کنند. و سپس دو آیه بعدی

شریران تمام روز طمع می‌ورزند، اما پارسایان می‌بخشند و دریغ نمی‌کنند. قربانی شریران مکروه است. پس چقدر بیشتر وقتی با نیت بد آورده می‌شود؟ ما قبلاً به این موضوع اشاره کرده‌ایم

و در نهایت، تنبلی نه تنها به خود فرد تنبل، بلکه به کارفرمایانش نیز آسیب می‌رساند. فصل ۱۰، آیه ۲۶. همانطور که سرکه برای دندان و دود برای چشم است، تنبل‌ها نیز برای کارفرمایان خود چنین هستند

و من تعدادی از آیات را به ترتیب ذکر خواهم کرد تا نکات عملی دیگری را در مورد چگونگی دستیابی مردم به رفاه و ثروت واقعی نشان دهم. یکی از این موارد، وظیفه شناسی است. فصل ۱۶، آیه ۲۰.

کسانی که در کاری دقت می‌کنند، کامیاب می‌شوند و خوشا به حال کسانی که به خداوند توکل می‌کنند. مورد بعدی زیرکی است. فصل ۲۰، آیه ۱۴.

خریدار می‌گوید: «بد، بد، بد.» سپس می‌رود و احتمالاً به چیزی که با قیمت ارزان خریده، افتخار می‌کند. انگیزه

اشتهای کارگران برای آنها کار می‌کند، یا گرسنگی‌شان. گرسنگی آنها را به کار وا می‌دارد. ۲۶، ۱۶.

نیاز. برکت خدا منجر به موفقیت می‌شود، اما این موضوع کمتر از آنچه معمولاً تصور می‌شود، برجسته است. فصل ۱۶، آیه ۳. کار خود را به خداوند بسپار و برنامه‌هایت استوار خواهد شد

آیه ۷. وقتی راه‌های مردم خداوند را خشنود می‌کند، او حتی دشمنانشان را نیز با خود به صلح می‌رساند، ۱۶. همان فصل، آیه ۲۰. کسانی که به موضوعی توجه دارند، کامیاب خواهند شد و خوشا به حال کسانی که به خداوند توکل می‌کنند

قبلاً به این اشاره کردم. سپس تعدادی دیگر از رفتارها که برای ثروتمند شدن توصیه نمی‌شوند. یکی از این موارد رشوه است

فصل ۱۵، آیه ۲۷. کسانی که به دنبال سود ناحق هستند، برای خانواده خود دردسر ایجاد می‌کنند، اما کسانی که از رشوه متنفرند، زندگی خواهند کرد. یا ۱۷، ۸. رشوه در نظر کسانی که آن را می‌دهند مانند سنگ جادو است

هر جا که رو کنند، کامیاب می‌شوند. ۱۷، آیه ۲۳. شریران رشوه پنهانی می‌پذیرند تا راه‌های عدالت را منحرف کنند.

هدیه درها را می‌گشاید. به بزرگان دسترسی می‌دهد. ۱۶، ۱۸.

بسیاری به دنبال لطف سخاوتمندان هستند، و همه دوستِ بخشنده هستند. پس چیزی مثبت‌تر. ۶، ۱۹. سرمایه‌گذاری مناسب

آیه ۴. جایی که گاو نباشد، غله نیست. محصولات فراوان از قدرت گاو حاصل می‌شود. و تعدادی آیه ۱۴. دیگر نیز در همین راستا وجود دارد

سپس در مورد اولویت‌های درست. ۲۴، ۲۷. کارتان را بیرون آماده کنید.

همه چیز را در مزرعه آماده کن. و بعد از آن، خانه‌ات را بساز. ۲۷، ۱۸.

هر که از درخت انجیر مراقبت کند، میوه‌اش را خواهد خورد. و هر که از اربابی مراقبت کند، مورد احترام (قرار خواهد گرفت). باب ۲۷، آیات ۲۳ تا ۲۷)

از حال گله‌های خوب آگاه باش و به گله‌هایت توجه کن. زیرا ثروت تا ابد پایدار نیست، و نه تاج و تخت برای همه نسل‌ها. وقتی علف از بین برود و گیاه تازه رشد کند و علف کوهستان جمع شود، بره‌ها لباس تو را فراهم می‌کنند و بزها بهای مزرعه را.

شیر بز برای خوراک تو، خوراک خانواده‌ات و خوراک کنیزانت کافی خواهد بود. یا ۲۸، ۱۹. هر که زمین را کشت کند، نان فراوان خواهد داشت، اما کسی که دنبال کارهای بی‌ارزش باشد، فقر فراوان خواهد داشت.

مهارت‌ها موفقیت می‌آورند. آیا کسانی را که در کار خود مهارت دارند، می‌بینی؟ آنها به پادشاهان خدمت خواهند کرد. آنها به مردم عادی خدمت نخواهند کرد.

مهارت‌های فن بیان به ویژه مهم هستند. ۱۸، ۲۰ تا ۲۱. از میوه دهان، شکم سیر می‌شود.

ثمره لب‌ها رضایت به همراه دارد. مرگ و زندگی در قدرت زبان است و کسانی که آن را دوست دارند، از میوه‌اش خواهند خورد. و چندین آیه دیگر نیز در مورد زبان ماهرانه و گفتار دلپذیر یا مثبت وجود دارد.

بنابراین، در چند دقیقه گذشته ما واقعاً خیلی روی این موضوع تمرکز کردیم که چه کارهای عملی‌ای می‌توانند برای موفقیت، اعتبار اجتماعی، رفاه مادی و رفاه واقعی برای خود انجام دهند. و فکر می‌کنم واقعاً ارزش دارد که به این نکته اشاره کنیم که کتاب امثال سلیمان هم توصیه‌های ساده، کاربردی و سراسری در این مورد دارد و هم اینکه بخش زیادی از این توصیه‌ها مربوط به داشتن ارزش‌های مهم‌تری است که به عنوان یک محصول جانبی، اغلب رفاه مادی را تقویت می‌کنند، اما حتی و مهم‌تر از آن، منجر به روابط خوب، غنی، سالم و ارزشمند، هم با خدا از دیدگاه مذهبی و هم با همسایگان، اعضای خانواده و جامعه وسیع‌تر، از جمله احترام اجتماعی بالا در جامعه از طریق شناخته شدن به عنوان یک عضو ارزشمند جامعه که به رفاه همه اطرافیان خود کمک می‌کند، می‌شود. و بنابراین، آنچه کتاب امثال سلیمان در طرح کلی‌تر چیزها پرورش می‌دهد، شخصیت و فضیلت است، نه پول و رفاه و ارزش فیزیکی.

و این اکنون ما را به طیف بسیار مهم و قابل توجه دیگری از آیات و گروه‌هایی از آیات مربوط به مراقبت از فقرا و آسیب‌پذیران می‌رساند، اظهاراتی در مورد فقر و چگونگی تعامل افراد مرفه جامعه با فقرا. چنین اظهاراتی به طرز شگفت‌آوری مکرر و برجسته هستند. آنها همچنین به طرز شگفت‌آوری الهیاتی هستند.

بنابراین اول از همه، مجموعه‌ای از امثال وجود دارد که نشان می‌دهد مردم معمولاً با فقرا معاشرت نمی‌کنند، اما همچنین تأکید می‌کند که چنین تعاملی پاداش‌دهنده، اخلاقی و مطلوب است. ۱۴، آیه ۲۰، فقرا حتی مورد نفرت همسایگان خود هستند، اما ثروتمندان دوستان زیادی دارند. آیه ۲۱، کسانی که همسایگان خود را تحقیر می‌کنند گناهکارند، اما خوشا به حال کسانی که با فقرا مهربانند.

یک دوست در همه حال محبت می‌کند، و خویشاوندان برای تقسیم سختی‌ها به دنیا آمده‌اند، ۱۷، ۱۷، برخی از دوستان با دوستی بازی می‌کنند، اما یک دوست واقعی از نزدیکترین خویشاوند خود به او، ۲۴، ۱۸، نزدیک‌تر است. ۱۹، آیه ۴، ثروت دوستان زیادی به همراه می‌آورد، اما فقیر بی‌دوست می‌ماند.

با این حال، این را با آیه ۶ در همان فصل جفت کنید. بسیاری به دنبال لطف سخاوتمندان هستند و هر کسی دوست کسی است که بخشش می‌کند. آیه ۷، اگر فقیر حتی مورد نفرت خویشاوندان خود باشد، چقدر بیشتر مورد طرد دوستان خود قرار می‌گیرد؟ وقتی آنها را صدا می‌زنند، آنها آنجا نیستند.

سپس برخی از امثال، آسیب‌پذیری فقرا و مسئولیت توأمان ثروتمندان را برای مراقبت از آنها نشان می‌دهند، اگرچه هیچ قدرتی بر آنها ندارند. ۱۸، ۲۳، فقرا از التماس استفاده می‌کنند، اما ثروتمندان با خشونت پاسخ می‌دهند. ۲۲، ۱۶، ظلم به فقرا برای ثروتمند شدن و بخشش به ثروتمندان تنها به ضرر منجر می‌شود.

ضمناً، این آیه هم در تضاد با ایده‌های یونانی-رومی در مورد حمایت و نگرش نسبت به فقرا و هم در تضاد با بسیاری از نگرش‌های مدرن در مورد، مثلاً مالیات بر ثروتمندان است. من به ویژه در بریتانیا و ایالات متحده از این موضوع آگاه هستم، جایی که، بگذارید دوباره آن را برای شما بخوانم، ظلم به فقرا برای ثروتمند شدن و کمک به ثروتمندان فقط منجر به ضرر می‌شود. استدلال برای کاهش مالیات برای ثروتمندان اغلب تکرار شده است و معمولاً با استدلال‌هایی مانند اینکه ثروتمندان برای دیگران کار ایجاد می‌کنند، همراه است.

من فکر می‌کنم این خیلی ساده‌انگارانه است و این ضرب‌المثل خاص، به طور خاص به این نوع نگرش می‌پردازد، که البته همیشه یک نگرش یا استدلال برجسته در جوامع تجاری بوده است. فصل ۲۲، آیات ۲۲ تا ۲۳، فقرا را به دلیل فقرشان غارت نکنید و دردمندان را در درگاه له نکنید، زیرا خداوند از آنها دفاع می‌کند و زندگی کسانی را که آنها را غارت می‌کنند، تباه می‌کند. ضرب‌المثل‌های دیگر، مراقبت از فقرا را در الهیات و ترجیح الهی برای فقرا مطرح می‌کنند.

کسانی که به فقرا ظلم می‌کنند، به خالق آنها توهین می‌کنند، اما کسانی که به نیازمندان مهربانند، او، ۱۴۳۱ را گرامی می‌دارند. ۱۷۰۵، کسانی که فقرا را مسخره می‌کنند، به خالق آنها توهین می‌کنند. کسانی که از مصیبت خوشحال می‌شوند، بی‌کیفر نخواهند ماند.

هر که با فقرا مهربان باشد، هرگز به خداوند قرض نمی‌دهد و به طور کامل به او بازپرداخت خواهد، ۱۹۱۷ شد. این دوباره در مورد بخشش سخاوتمندانه است، اما این بخشش سخاوتمندانه نه به یک سازمان، بلکه به طور خاص به نیازمندان جامعه است. من فکر می‌کنم سازمانی که به طور خاص این افراد را هدف قرار می‌دهد، بسیار خوب است.

من فکر می‌کنم مشکل‌سازتر جایی است که ما یک خدمت مسیحی داریم که مطابق با آموزه‌هایش شامل غنی‌سازی افرادی است که در رأس آن خدمت قرار دارند. به نظر نمی‌رسد که این نوع ضرب‌المثل شامل این موضوع باشد. آیه ۱۳، اگر گوش خود را به فریاد فقیر ببندی، فریاد خواهی زد و شنیده نخواهی شد.

آیه ۱، نام نیک باید از ثروت فراوان برگزیده شود و شهرت از نقره و طلا بهتر است. آیه ۲، ثروتمند و ۲۲ فقیر در این مشترکند، خداوند خالق همه آنهاست. ۲۲ آیه ۹، کسانی که سخاوتمند هستند، برکت یافته‌اند زیرا نان خود را با فقرا تقسیم می‌کنند.

بنابراین، اگر دوست دارید، این بهترین بشارت برای رفاه و آسایش است. بله، بخشش سخاوتمندانه منجر به برکت از جانب خدا می‌شود، اما تأکید مداوم در امثال، بخشیدن آن به کسانی است که واقعاً به آن نیاز

دارند، بخشیدن آن به فقرا. و بیاپید این را با فصل ۲۸ آیه ۲۷ مقایسه کنیم: هر که به فقرا ببخشد، چیزی کم نخواهد داشت، اما کسی که چشم بیوشد، لعنت بسیاری خواهد دید.

یا ۲۹.۷، عادل حقوق فقرا را می‌داند. شریر چنین درکی ندارد. و این را با عکس آن در ۲۸.۲۲ مقایسه کنید. خسیس برای ثروتمند شدن عجله دارد و نمی‌داند که ضرر و زیان حتمی است.

طنز ماجرا اینجاست. در میان بسیاری از ضرب‌المثل‌های دیگر که الان وقت برجسته کردنشان را ندارم، می‌خواهم به طیف وسیعی از ضرب‌المثل‌ها اشاره کنم که مسئولیت‌های قدرتمندان را در قبال فقرا و آسیب‌پذیران بررسی می‌کنند. و این چیزی است که فکر می‌کنم در دنیای مدرن به طور خاص به افرادی که نفوذ قابل توجهی در حوزه عمومی دارند، چه از طریق رسانه‌ها، چه از طریق شبکه‌های اجتماعی، چه از طریق رفاه مالی قابل توجه، چه از طریق نقش‌های رهبری مدنی یا قدرت سیاسی که مردم در اختیار دارند، و چه از طریق جایگاهشان در رأس شرکت‌های بزرگ و کسب‌وکارهایی که نفوذ زیادی در جامعه گسترده‌تر دارند، خطاب می‌شود.

فکر می‌کنم تمام گروه‌هایی که نام بردم، در ضرب‌المثل‌هایی که الان فهرست می‌کنم، دخیل هستند. فصل آیات ۱۲ تا ۱۴. اگر حاکمی به دروغ گوش دهد، تمام مأمورانش شرور خواهند شد، ۲۹.

فقیر و ظالم در این مشترکند. خداوند به چشمان هر دو نور می‌بخشد. اگر پادشاهی با عدالت در حق فقیران داوری کند، تخت سلطنتش تا ابد پابرجا خواهد ماند.

خب، این یک انگیزه برای تعامل اجتماعی برای سیاستمداران و حاکمان مدرن است. فصل 30، آیات 13 تا 15. کسانی هستند که چشمانشان چقدر والاست، پلک‌هایشان چقدر بالا می‌رود.

کسانی هستند که دندان‌هایشان شمشیر است، دندان‌هایشان کاردها تا فقیران را از روی زمین و نیازمندان را از میان آدمیان ببلعند. زانو دو دختر دارد. بدهید، بدهید، آنها فریاد می‌زنند.

فصل ۳۱، آیه ۴. ای لموئیل، پادشاهان را شایسته نیست که شراب بنوشند، و حاکمان را شایسته نیست که نوشیدنی قوی میل کنند، وگرنه خواهند نوشید و آنچه را که مقرر شده است فراموش خواهند کرد و حقوق همه ستمدیدگان را پایمال خواهند کرد. از کسانی که نمی‌توانند از حقوق همه نیازمندان دفاع کنند، دفاع کن.

سخن بگویید، عادلانه قضاوت کنید و از حقوق فقرا و نیازمندان دفاع کنید. اکنون بخشی دارم که ارزش بررسی دارد. ما در این سخنرانی در مورد ضمانت و وام یا گرو گذاشتن که خطرناک و از نظر مالی ویرانگر تلقی می‌شود، وقت نداریم.

این ارتباط در اینجا با سرمایه‌گذاری‌های تجاری پرخطری است که شامل نرخ‌های بهره بالا می‌شوند و می‌توانند واقعاً به طرح‌های سریع و ثروتمندانه منجر شوند و در دنیای مدرن نیز همین اتفاق می‌افتد، اما برای افرادی که این کار را انجام می‌دهند، به عنوان بالقوه ویرانگر و همچنین از نظر اخلاقی، عمیقاً دارای نقص اخلاقی دیده می‌شوند. طیف وسیعی از این موارد وجود دارد که من وقت ندارم به آنها بپردازم. چند آیه در مورد قرض گرفتن و وام دادن.

ثروتمند بر فقیر حکومت می‌کند و قرض‌گیرنده برده قرض‌دهنده است. چقدر این موضوع در جوامع، ۲۲.۷، مدرن صادق است. ۲۸.۸، کسی که با بهره گزاف ثروت می‌افزاید، آن را برای کسی که با فقرا مهربان است جمع‌آوری می‌کند.

کاش این موضوع به همین سادگی که اینجا مطرح شده، حقیقت داشت. باز هم، وقت ندارم که به جزئیات آنچه اینجا می‌گذرد بپردازم. فکر می‌کنم در درازمدت، از منظر مذهبی، یک بیانیه ایده‌آل ارائه شده است.

اما البته، در دنیای واقعی، در کوتاه‌مدت، کسانی که با منافع گزاف ثروت جمع می‌کنند، واقعاً خیلی سریع، ثروتمند می‌شوند و دیگران را فقیر می‌کنند. اکنون می‌خواهم با جمله‌ای نزدیک به نتیجه‌گیری کتاب امثال بحث را تمام کنم. این استدلال‌کننده‌ی مرموز، نویسنده-گردآورنده‌ی عجیب و غریب فصل ماقبل آخر کتاب امثال و مجموعه‌ی آن در امثال ۳۰، این را می‌گوید.

خدایا، دو چیز از تو می‌خواهم. قبل از مرگم آنها را از من دریغ مکن. دروغ و ریا را از من دور کن.

نه فقر به من بده و نه ثروت. به من غذایی که نیاز دارم بده. وگرنه سیر می‌شوم و تو را انکار می‌کنم و می‌گویم: «خداوند کیست؟» «یا فقیر می‌شوم و دزدی می‌کنم و نام خدای خود را بی‌حرمت می‌سازم».

این دعا با واقع‌گرایی دقیقی همراه است که از درک کاملی از واکنش انسان به موفقیت و شکست مادی سرچشمه می‌گیرد و منجر به بینش عمیق انسان‌شناختی و الهیاتی در مورد نگرشی سازنده و خردمندانه نسبت به دارایی‌های مادی می‌شود. منظورم چیست؟ می‌خواهم به آنچه در ابتدای دو سخنرانی در مورد رفاه بگویم برگردم، یعنی اینکه کتاب امثال، نگرش‌ها، ارزش‌ها و اخلاق فضیلت سالم را پرورش می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا درک درستی از آنچه واقعاً در زندگی مهم است، به دست آوریم. و آگور در این دعا اذعان می‌کند که فقر نباید ستایش شود و نباید دست کم گرفته شود.

فقر برای بسیاری از مردم یک مشکل جدی است. و اگرچه گاهی اوقات فقر تقصیر خود مردم است، همانطور که در کتاب امثال دیده‌ایم، و این را در واقعیت زندگی در طول تاریخ در هر کجای جهان می‌بینیم فقر اغلب از طریق روش‌های ناعادلانه به دیگران تحمیل می‌شود. اما این فقر همچنین می‌تواند به طور بسیار جدی منجر به بحران مذهبی و اخلاقی در میان کسانی شود که فقیر هستند، اغلب نه به دلیل هیچ تقصیری از جانب خودشان.

اما ناامیدی آنها گاهی اوقات ممکن است آنها را وسوسه کند و اغلب آنها را وسوسه می‌کند تا کارهایی انجام دهند که در نظر خدا درست نیست. در سوی دیگر، افرادی هستند که به دلایل مختلف به طرز چشمگیری ثروتمند هستند. گاهی اوقات آنها به دلیل سخت کوشی، مهارت‌های عالی و سرسختی خود، شایسته آن هستند.

گاهی اوقات آنها به دلیل شانس محض، به این موفقیت دست یافته‌اند، زیرا در مکان و زمان مناسب، در خانواده‌ای مناسب، در قشر اجتماعی مناسب جامعه به دنیا آمده‌اند. هر چه که باشد. گاهی اوقات آنها با فقیر کردن دیگران به ثروت هنگفتی رسیده‌اند.

گاهی اوقات به نظر می‌رسد که کاملاً تصادفی است. اما چقدر آسان است که کسانی که از وضعیت مالی خود راضی هستند، فکر کنند که می‌توانند به خودشان تکیه کنند. ثروت آنها برج محکمی در تخیل آنهاست.

آگور عمیقاً تشخیص می‌دهد که این نوع موقعیت ممکن است برای او خطرناک باشد، و البته، برای همه ما خطرناک است، که فکر می‌کنیم چون از نظر مالی در رفاه هستیم، به خدا نیازی نداریم. ما ممکن است با خدا مخالف نباشیم، ما فقط نسبت به خدا بی‌تفاوت هستیم، زیرا به خدا نیازی نداریم. و در اینجا فکر می‌کنم کتاب امثال سلیمان چالشی را برای کسانی از ما که بسیار فقیر و کسانی از ما که بسیار ثروتمند هستیم، مطرح می‌کند.

خدا چه نقشی در زندگی شما ایفا می‌کند؟ آیا ثروت شما واقعاً شما را راضی می‌کند؟ آیا فقر شما توجیهی برای سهل‌انگاری شماست؟ یا کاری هست که خدای زنده می‌تواند برای شما و با شما و از طریق شما انجام دهد، تا زندگی شما را به عنوان یک فرد ثروتمند بهتر کند و زندگی شما را به عنوان یک فرد فقیر بهتر کند؟ این دعا دعایی نمونه برای همه ما، در هر دو حالت افراطی، در طیف اقتصادی و مالی و هر جایی بین این دو، است تا از خدا بخواهیم آنچه را که نیاز داریم به ما بدهد و سپس به ما کمک کند تا از مازاد بیشتری که ممکن است داشته باشیم برای منفعت دیگران استفاده کنیم. به اعتقاد من، این انجیل واقعی رفاه است که از این کتاب باورنکردنی امثال اسرائیل برای امروز ما پدیدار می‌شود.

این دکتر کنوت هاین در حال تدریس در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۹، انجیل سعادت در امثال، بخش ۲ است.